

برنامه ریزی های راهبردی و سوداگران بازاری

از نگر همه ی همکاران، دوری راه (فاصله ی زمانی نزدیک به یک ساعت از رشت) این مرکز تشخیصی-درمانی، در بهترین شرایط بهره وری آنرا به شدت کاهش می دهد. این پدیده در کنار بازاری شدن آزمایشگاه های دانشگاه، بی گمان بزرگترین آسیب را به اعتبار علمی دانشگاه خواهد زد.

بارها گفته ایم که در کشورهای پیشرفته، برپایی آزمایشگاه های بزرگ، مقوله ای است تاریخی که در اوج سرمایه داری غربی، به دست تراسه ها و در بخش خصوصی برپا شده است، ولی آزمایش های دانشگاهی همچنان به گونه ی کلاسیک خود پایدار و برجسته هستند. گویا به پندار سازندگان برای این مرکز، امکاناتی برای رفاه بیماران در نظر گرفته شده، مانند آزمایشگاه و ریلوژی سیار! البته همکاران خود بهتر آگاهند، آزمایشگاه های سیار در کشورهای دیگر ویژه دام های بزرگ (مانند گاو، اسب و...) که ترابری آنها به سختی صورت می گیرد.

ریاست ارجمند دانشگاه خود بهتر آگاهند که در جای جای استان گیلان آزمایشگاه های خصوصی، بهداشت و بیمارستانی هست. در هر جا هم اگر بیمار توان رفت و آمد نداشته باشد، از سوی آزمایشگاه های نزدیک، نمونه گیر به جایگاه بیمار روانه می شود. برای حل کیفیت در آزمایشگاه های دانشگاه، کافی است میلیاردها تومان بدهی، به همکاران پیمانکار فعلی پرداخته شود، تا همه ی سامانه ها را تازه کنند و بهترین آزمایشگاه ها هم در درون بیمارستان ها و از آن بیمارستان ها شود. این سخن از زبان کسی برمی آید که در دهه ی هشتاد، به بهترین کیفیت، آزمایشگاه های دانشگاه را اداره کرده است، ولی به خاطر بد حساسی ها و ناروایی های گوناگون دیگر، با زبان میلیاردها ریال از خیر کار با دانشگاه علوم پزشکی گذشته است. در پایان، امیدوارم که مسوولان دانشگاه گیلان، از الگوهایی که شناخته نیست، پیروی نکنند و از ته مانده ی قداست پزشکی و سرمایه های مردمی پاسداری کنند و فرمان سلامت مردم را به دست شماری دلال و سوداگر بازاری نسپارند.

نگرش بازارمآبانه ی برخی از مسوولان دانشگاه ها، مایه ی دگرگونی ماهیت راستین علم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمان، به گونه ی یک کالای بازاری شده است. امروزه آلودگی های گوناگون آب و هوا (در برخی استان ها)، غذا و پارازیت در همه ی شهرها، همراه با افزون روز افزون بدخیمی ها، سرزمین ما را به یکی از ناسالم ترین کشورها تبدیل کرده است. برنامه ریزی های راهبردی هم شوربختانه، چنین می نماید (بی گمان چنین نیست!) که گویا در چهار چوبی است که در برگیرنده اندوخته های مادی برای طراحان آن باشد.

نمونه ای در این میان، از بین بردن آزمایشگاه های دانشگاه و واگذاری اداره ی آنها به یک شرکت سوداگر، که یگانه تخصص آنها آشنایی با فروشندگان دستگاه ها و کیت های آزمایشگاهی است. پس از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، آزمایشگاه های دانشگاه ها، به دست افرادی دلسوزی بود و با همه کمبودها در حد توان خود، نیازهای بیماران را برآورده می کردند. پس از انقلاب فرهنگی و به ویژه یکی شدن آموزش و درمان و برپایی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، روز به روز کیفیت آزمایشگاه های وابسته روبه سرایشی نهادند. بازگویی ناروایی های سه دهه گذشته، مثنوی هفت من است، اما نمونه ای ناروا که نگارنده با پوست و گوشت آنرا لمس کرده است، اداره ی آزمایشگاه های دانشگاهی است که بارها به آن پرداخته شده است. اما چالش نه چندان تازه در این باره، آینده آزمایشگاه های وابسته به دانشگاه است که به راستی باید کفهی آموزشی آن نیز پر بار باشد.

امروز خبری از منطقه آزاد انزلی به دستم رسید که نیاز به بررسی چند جانبه است. به گزارش خبرنگار ماهنامه در منطقه آزاد، شایع شده است که شرکتی با خرید زمینی در منطقه آزاد انزلی، آهنگ ساخت مرکز تشخیصی درمانی بزرگی کرده است. گرچه از پیش زمزمه واگذاری همه ی آزمایشگاه های وابسته به دانشگاه در سراسر استان، به یک شرکت بازرگانی بود، اما